



ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا سال 61 هجری قمری

در برابر کاروان کم تعداد امام حسین(ع) و یارانش، که اهل و عیالشان نیز همراه آنان بودند، عیدالله بن زیاد نیروهای رزمی فراوانی به کربلا اعزام کرد.

در برابر کاروان کم تعداد امام حسین(ع) و یارانش، که اهل و عیالشان نیز همراه آنان بودند، عیدالله بن زیاد نیروهای رزمی فراوانی به کربلا اعزام کرد.

وی، علاوه بر لشکر یک هزار نفری حرّ بن یزید ریاحی، چهار هزار تن به همراه عمر بن سعد، دو هزار نفر به همراه یزید بن رکاب کلبی، چهار هزار نفر به همراه حصین بن ثمیر سکونی، هزار نفر به همراه شیب بن ربیع، هزار نفر به همراه حجار بن ابجر بجلی، سه هزار نفر به همراه مصار بن مزینه مازنی، دو هزار نفر به فرماندهی شخص دیگر به کربلا اعزام کرد، تا با پیوستن به سپاه عمر بن سعد، جبهه سپاهیان یزید را در برابر سپاهیان امام حسین(ع) تقویت و تحکیم نماید.

اما ضرورت‌ترین نیروهای عیدالله بن زیاد، لشکر شمر بن ذی الجوشن بود، که به استعداد چهار هزار تن به قصد نبرد حتمی با اهل بیت پیامبر(ص) وارد سرزمین کربلا شد. ورود شمر به کربلا، مصادف بود با روز نهم ماه محرم.

هنگامی که نامه رضایت بخش عمر بن سعد به دست عیدالله بن زیاد رسیده بود، شمر بن ذی الجوشن در مجلس وی حضور داشت و چون نظر عیدالله درباره پیشنهاد عمر بن سعد، مبنی بر مصالحه با امام حسین(ع) را مشاهده کرد، بر آشفت و به عیدالله گفت: ای امیر! آیا پیشنهاد او را پذیرفته ای؟ هم اینک حسین بن علی(ع) با پای خود در سرزمین تو گام نهاد و در نزدیکی تو مقیم گشت. به خدا سوگند، اگر امروز از تو رهایی پیدا کند، دیگر نمی توانی بر او دست یابی.

در آن صورت، او عزیزتر و نیرومندتر گردد و تو ناتوان تر و خوارتر خواهی شد. پس او را رها مکن و در اختیار بگیر، در این صورت هر تصمیمی که درباره اش بگیری می توانی جامه عمل به پوشانی.

گفتار خصمانه و تحریک آمیز شمر، اثر سویی در عیدالله بن زیاد به وجود آورد و نظرش را درباره امام حسین(ع) دوباره تغییر داد.

بدین جهت، در همان ساعت، نامه شدید اللحنی برای عمر بن سعد نوشت و به این مضمون، به وی فرمان داد: یا از حسین بن علی(ع) برای یزید بیعت بگیر و یا بر او بتاز و سرش را از بدن جدا کن و تمام یاران وی را از دم تیغ و تیر بگذران و بر بدن هایشان اسب بدوان. گرچه اسب تاختن بر بدن های آنان، فایده ای ندارد ولیکن چون از زبانش جاری شده است، باید به عمل آوری.

سپس یادآور شد: ای عمر بن سعد! اگر آن چه را به تو فرمان داده ام انجام دهی، در نزد ما عزیز و سربلند خواهی بود و به آرزو و آمالت می رسی، ولی اگر تمایلی برای نبرد با حسین بن علی(ع) نداری، از فرماندهی سپاه معزول و کارهای سپاه را به شمر بن ذی الجوشن بسپار.

عیدالله، این نامه را به شمر سپرد و او را روانه کربلا نمود و وی را بر کردار و رفتار عمر بن سعد، مراقب ساخت.